**سیاست نژادپرستی جمهوری اسلامی علیه ستمدیدگان افغانستانی**

**شباهنگ راد**

"احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد تا پایان سال 1403 نزدیک به دو میلیون نفر از اتباع غیرمجاز خارجی از ایران اخراج خواهند شد".

"بهرنگ قربانی، مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری فارس اعلام کرده که هرگونه سکونت، اشتغال مهاجران غیرمجاز و تخلف است و گروه بازرسی اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی برای صاحبان مشاغل، مالکین منازل و مدیران مدارس که به این اتباع خدماتی از قبیل زمینه اشتغال، اجاره منزل و امکان تحصیل فراهم کنند، پرونده تشکیل و به دستگاه قضایی معرفی خواهند کرد".

"رسول موسوی، دستیار وزارت خارجه ایران در پستی در شبکه ایکس جمعه 23 شهریور (13 سپتامبر) تصویری از یک نانوایی در شهرستان بردسیر استان کرمان منتشر کرده که به دستور دادستانی فروش نان به اتباع ممنون است".

بطوریقین مطلب، در خصوصِ ستمدیدگان افغانستانی زیاد می‌شود نوشت و گفت، امّا موارد طرح‌شده از زبان و از نوشته‌های مقامات و نهادهای حکومتی - دولتی، علامت و برآورد حکم‌فرمایی است که به مدت چندین دهه به جامعهٔ ایران تحمیل‌شده است. این ویژگی سردمداران نظام جمهوری اسلامی است و به تجربه دریافته شده است برای پائینی‌ها مضر هستند و تنها گفته‌ها و نوشته‌های بالا، بار دیگر اثبات‌کننده آن است که بازگویی و سرگذشت زندگی هزاران انسانِ دردمند افغانستانی در ایران، غیرقابل‌شرح و روشن‌سازی همه‌جانبه هست. بعلاوه توصیف این نظر است که زیر تسلط چنین حکومت و دولتی، همه با هر رنگ، نژاد و پوست زیر فشار هستند، و همه به عناوین و به بهانه‌های مختلف، تجاوز و تعدی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را امتحان کرده‌اند و دیده‌شده است در این چند دهه سیاستِ نژاد ستیزی، موازات دیگر سیاست‌های ضد انسانی، در سرِ درِ نظام بود [هست] و بسته به موقعیت و شرایط بالا می‌آید. ستمِ چندگانه،، اخراج سازی، توهین، تحقیر، نابرابری شغلی و غدغن کردن رفت‌وآمد به بعضاً استان‌ها و شهرها [توده‌های افغانستانی] در ایران نسخه تازه‌ای نیست. بارها و بارها از رفتن به کار منعشان کرده‌اند؛ بارها و بارها مورد تعرضِ دم‌ودستگاه‌های سرکوب نظام قرارگرفته‌اند؛ بارها و بارها و با صحنه‌سازی، آن‌ها را عامل صدها مصیبتِ [دست‌ساز حاکمیت] به جامعه معرفی کرده‌اند تا چهره ضد انسانی خود را از اذهان عمومی پنهان کنند. مطمئناً مقصود سردمداران نظام جمهوری اسلامی، جدا از ماهیت ضد انسانی‌شان، پاشیدن بیش‌ازپیش تخم نفاق و بیزاری از توده‌های ستمدیده افغانستانی در ایران است.

عجب حکایتی است قدرت‌مداران بین‌المللی با یاری دولت‌های وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی، بازور و با استفاده از مدرن‌ترین ادوات نظامی، سرزمینشان را اشغال و هزاران نفر را کشته و نیز خانهٔ میلیون‌ها تن دیگر را به ویرانه تبدیل کرده‌اندند و آن‌وقت علل بدبختی و آوارگی آنان را، در طلب و تمایلشان "به مکان و به زندگی بهتر" توضیح می‌دهند! مسلماً کسی خواهان آوارگی و تخریب خانه‌اش نیست؛ کسی خواهان کار در سرزمین غیرخودی و آن‌هم درازای حقوق ناچیز و ناتوانی در تهیۀ نیازهای اولیه زندگی همچون نان‌وآب نیست؛ کسی خواهان تحقیر و توهین و لشکرکشی سازمان‌یافته علیه رنگ و نژاد نیست؛ این‌ها را جنگ‌طلبان و سودجویان و به‌ویژه کمپانی‌های تسلیحاتی به‌منظور سود بیشتر و کنترل بهتر اعتراضات احتمالی و رادیکال، به آن‌ها تحمیل کرده‌اند. علتِ انتخابِ آوارگی، در وجود و در سیاست‌های قدرت‌های بزرگ امپریالیستی و بازیگران جنگی همچون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هست.

افسوس سیاست نژادپرستی و اخراجِ رانده‌شدگان جنگ‌های امپریالیستی همه‌گیر شده است و در همان حال حاکمان سودجو، رذیلانه بر آن‌اند تا نابسامانی‌ها اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به پناهندگان، به مهاجرین و به رانده‌شدگان جنگ‌های امپریالیستی و خانمان‌سوز نسبت دهند. سیاست و منطقی که بدون کمترین دودلی در خدمت به انحراف افکار عمومی و در خدمت به دشمن‌تراشی‌های کاذب از توده‌های محروم و به‌ویژه از محرومان اسکان‌یافته افغانستانی در ایران است.

منظور اینکه مشکل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، یا چراییِ نبود خانه و گرانی روبه افزون، نیز عیب و نقص و قصور آموزشی و نبود کار، در وجود یکی دو میلیون تودهٔ افغانستانی در ایران نیست، بلکه به سیاست صحنه‌گردانان جنگ‌های امپریالیستی و نیز به بازیگرانی همچون نظام جمهوری اسلامی در منطقه مربوط هست. بیشتر اینکه انتقال بار بحران به دوش پناهندگان و مهاجرین، تطهیر حکومت‌های خودی در پاسخگویی به نیازهای ابتدائی زندگی توده‌های ستمدیده هست. همهٔ کوششِ نظام بالایی‌ها، سمت‌وسو دادن مسیر ناصحیح به سمت اصلی هست. بر همین اساس مقابله با آن [نژاد ستیزی]، نظیرِ مقابله با صدها مصائب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دست‌ساز نظام جمهوری اسلامی است. اضافه‌تر اینکه کارزار سیاسی سران حکومت، کارزار انحرافی و کارزار دشمن‌تراشی کاذب هست و بایسته است، سیاست برابری، همیاری و به‌ویژه سیاست اتحاد و یگانگی به‌منظور رهایی از زیر ستم امپریالیستی و هرگونه تبعیض و نژادپرستی را دنبال کرد. مشکل سازندگان حقیقی جوامع انسانی، ابداً گوناگونی رنگ، پوست و نژاد نیست. همه خسته و کلافه از ناهمسانی و شکاف طبقاتی بالابلند در درون جامعه هستند. روشن است که تولید و بازتولید این موارد عاملِ بازدارندگی رشد و اقتصاد در زیر سقفِ واحد هست. در دنیای پر از وسعت و ثروت، بیش‌ازاندازه برای هر فرد زمین برای سکونت، بعلاوه امکانات و سرمایه برای زندگی وجود دارد و فقط کمتر از یک‌درصدی آحاد جامعه، مخالف زندگی درخور معقول بیش از نودونه درصدی هستند. تنها طبقهٔ سرمایه‌داری ازجمله حاکمان دغل‌کار و فاسدِ ایران رواج دهندهٔ سیاست تبعیض و نژادپرستی هستند.

چطور می‌شود حرف از انسان و انسانیت بمیان آورد و انسانِ رانده از جنگ‌های امپریالیستی و تحت ستمِ را عامل بدبختی خود معرفی کرد؟ چطور می‌شود حرف از عدالت و برابری بمیان آورد و آن‌وقت سیاست ناعادلانه و نابرابر را پخش کرد؟ آوارگی چندبارهٔ توده‌های ستمدیدهٔ افغانستانی و نیز پهن‌تر کردن محدودیت و محرومیت‌ها برای کودکان، جوانان و صدمه دیدگان، در پاسخگویی به خواسته‌ها و سیاست‌های حکومت‌مداران و دولت‌مداران منفعت‌طلب است و نظام جمهوری اسلامی هم به‌عنوان نظام نابرابر و سودجو، مسبب هزاران بلایا و مصائب اجتماعی و افغان ستیزی هست. بدین ترتیب جوابِ جامعهٔ انسانی، مخالفت با جامعهٔ مدنظر سرمایه‌داران حاکم در ایران و به دنبال کثرت‌گرائی و تقسیمِ برابر ثروت‌های جامعۀ توأم بازندگی و سازگاری با هر نژاد، فرهنگ و پوست هست.

کوتاه، این چه دنیایی است سرمایه‌داران فرهنگِ ضد انسانی، مناسبات ناسالم و ناهمسان را به میلیون‌ها انسان ستمدیده تحمیل کرده‌اند و نان و دوا و درمان را قطع، و اماکن آموزشی را بروی‌شان می‌بندند و در همان حال نسخهٔ آن‌ها را به‌پای دولتِ «بی‌گزند» و جامعه «انسانی» می‌پیچند! شک نیست که این قبیل سیاست‌ها ربطی به جامعهٔ انسانی و مساوات خواه ندارد. پس سردمداران نظام جمهوری اسلامی مثل همهٔ نظام‌های نابرابر و تفرقه‌انداز، مسبب و عامل تنش و نزاع بین رنگ و نژادها هستند و تا زمانی که در مسند قدرت‌اند، نه‌تنها فقر و بدبختی بلکه تنش و درگیری بین توده‌های محروم، آن‌هم تحت عناوین دروغین همچون فرهنگ، پوست و نظایر این‌ها رو به بالا خواهد بود.

 21 آگوست 2024

31 شهریور 1403